



هری پاتر، رمان درمان گر

○ جعفر پایور

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

نویسنده این است که از نوجوانی ضعیف اندام و روان پریش، انسانی سالم و فعال و با تجربه و سازگار بسازد که بر مشکلات روحی خود فائق می‌آید.

رنج و حرمان و بی‌پناهی این نوجوان، بسیار به قصه «وانکا»ی چخوف شباهت دارد، مواردی نظیر خوابگاه هری که در زیر پله درون انباری است و عینک شکسته او که حکایت از مشتهایی دارد که دادلی به او می‌زند، بیانگر این شباهت است. هم‌چنین، این نکته که شرط یک زندگی آرام و بی‌دغدغه در کنار دورسلی‌ها سوال نکردن است، بی‌توجهی دورسلی‌ها نسبت به هری، زیرا او را آن قدر ابله و کودن می‌پندارند که معتقدند متوجه حرف‌ها نمی‌شود و نیز زندانی کردن هری به مدت طولانی در انبار، پوشیدن لباس‌های «دادلی» که چهار برابر اندازه او بود و تمسخر هم‌کلاسی‌ها، تنبیه او برای یک شادمانی کودکانه، مورد تمسخر قرار گرفتن به دلیل گفتن خواب‌هایش، کتک‌زدن و شکار او توسط «دادلی» و دار و دسته‌اش و... همگی یادآور درد و رنجی است که «وانکا» شرحش را برای پدر بزرگ می‌نویسد. اما این رمان، به دلیل ساخت قوی، از حد یک گزارش و شرح زندگی جانسوز نوجوانی بی‌پناه فراتر می‌رود و به جای آن که مخاطب را به دلسوزی برای شخصیت قصه وارد (آن طوری

در این بررسی، به زمینه‌های محتوایی رمان «هری پاتر و سنگ جادو» پرداخته‌ایم که ملاحظه می‌کنید.

ماجراهای این داستان، در هفده فصل نوشته شده است. دو فصل نخست، به آشنایی با شخصیت اصلی کتاب هری پاتر و چگونگی سرگذشت زندگی او اختصاص دارد. باقی فصل‌ها در دنیای خیال می‌گذرد.

هری پاتر، پسر یتیم ده‌ساله‌ای است که سرپرستی او را از همان نوزادی، عمه و شوهر او برعهده دارند. این دو نفر، مدت ده سال، انواع تحقیرها و خفت‌ها و فشارهای روحی را بر «هری» روا داشته‌اند؛ به طوری که «هری» به صورت کیسه بوکس «دادلی» پسر خانواده درآمده است. اما در آستانه یازده سالگی هری، حادثه‌ای استثنایی رخ می‌دهد؛ او را برای تحصیل درس جادوگری، به مدرسه جادوگران دعوت می‌کنند. او در این مدرسه، مدت هفت سال، به خودشناسی و کسب تجربه می‌پردازد. ماجراهایی که در طی این مراحل بر او می‌گذرد، موضوع این کتاب است.

این اثر، یک رمان روان‌شناختی موفق در حوزه ادبیات کودک و نوجوان است. مبنای رمان، بر شناخت قهرمان از گذشته خود و رویارویی با حوادث آینده است. قصد

را فراموش نکرده است که آمدن به دنیای واقع و رفتن به جهان درون و ذهن را تعادل بخشد؛ زیرا می‌داند مرز دنیای خیال و دیوانگی، به مویی بسته است. در این داستان، آمدن هری از مدرسه جادو به خانه عمه پتونی با عنوان تعطیلات محسوب می‌شود. بدین ترتیب، نویسنده علاوه بر نگهداشت مرز خیال و واقع، نکته‌ای ظریف و روان‌شناختی، را در این صحنه می‌گنجاند؛ بدین معنا که با این عامل (تعطیلات)، ذهن «هری» زندگی واقع و بیرونی پرنج را موقتی پنداشته، در نتیجه تحمل رنج‌ها و مصیبت‌ها برای او ممکن می‌گردد. به‌کارگیری ابزارهای خیالی در آفریدن صحنه‌ها، به اندازه‌ای با مهارت و منطق ویژه داستان‌های تخیلی انجام شده است که باورپذیری خواننده را در اوج نگه می‌دارد؛ به طوری که تا مدت‌ها پس از خواندن داستان، به سختی می‌تواند این صحنه‌ها را خیالی بداند. این اثر، نزدیکی و قرابت میان دنیای بیرون و درون و ضرورت همزیستی ناخودآگاه و خودآگاه ضمیر آدمی را نشان می‌دهد.

دشواری‌ها و پریشانی‌های زندگی «هری» از یک سو و تلاش ناخودآگاه وی برای رسیدن به تعادل و سلامت ذهن از سوی دیگر، محور محتوایی این اثر است. رویارویی «هری» با دو نیروی قهار ظلمت و نور است. صحنه نبرد او با «کوئیرل»، نشانه نفرت و طمع و حرص مثال‌زدنی است. او با نیروی سیاه و پلیدی پنجه درافکننده که عامل بدی و شر است و آن عامل «ولدمورت» مسرور اهریمنی «کوئیرل» است. فکر اصلی «ولدمورت» این است: در دنیا یک چیز وجود دارد و آن قدرت است. هرکس قدرت به دست آورد، برنده است. به نظر او نیروی خیر و نیروی شر معنا ندارد.

نقش «هری» در این میان چیست؟ نیروی اهریمنی، طی ده سال زندگی او را احاطه کرده و اکنون که ناخودآگاه او در زمان مناسب - نوجوانی - به واکنش پرداخته و ابزار جبرانی - دنیای جادو - را در اختیار «هری» گذاشته است، فرصتی پیش آمده که وی با طی مراحل و کسب تجربه‌ها، به توانایی‌های خود واقف شود و بر ترس و نکبت و خفت و تحقیر غلبه کند. تمام فضا سازی‌های جادویی نویسنده در این اثر، با این هدف صورت گرفته که به «هری» نوجوان، فرصت دهد که روح آسیب‌دیده خود را التیام بخشد و روان‌پریشی خود را درمان کند. شخصیت‌های ماورایی چون غول، اجنه و ارواح در صحنه‌ها حضور می‌یابند تا با عاملیت خود، حوادث و رویدادها را در راستای کشف توانایی‌های «هری» توسط خود، به وجود آورند. مثلاً زمینه

که در وانکاست)، او را متوجه چگونگی تلاش قهرمان، در مقابله با مصائب و رفع ضربه‌های روحی می‌کند. مخاطب، شاهد کسب تجربه هری و کشف توانایی‌های درونی او در این کتاب است و ذهن مخاطب، با همدردی توأم با تحسین برانگیخته می‌شود؛ به طوری که در تمام لحظات با هری می‌ماند، از او یاد می‌گیرد و همراه او پالایش می‌یابد.

قدرت جادوی خیال، ابزاری قوی برای تعادل بخشیدن به روح پریشان و زخمی «هری» است. وی با تکیه بر این قدرت، به کشف توانایی‌های خود می‌رود و با رویدادهای جهان بیرون، به هماهنگی و سازش می‌رسد. ساخت صحنه‌های تخیلی و توانایی نویسنده در پرداخت جزئیات خیالی، امکان رسیدن «هری» به این مرحله را میسر می‌سازد.

ظهور به موقع ناخودآگاه و نقش او در برون‌افکنی و اصلاح روان «هری»، محور اصلی این رمان روان‌شناختی جدید است. خواننده جوان، چگونگی تسلط بر نفس و به زیرمهمیز کشاندن آن را می‌بیند و می‌آموزد با فن جادوگری که همانا کشف توانایی‌های فردی است، چگونه به کسب

تجربه و تعادل روحی بپردازد.

نویسنده با بهره گرفتن از مهارت و قدرت نویسندگی، مجموعه ابزار و عناصری را که از عالم واقع گرفته، در دنیای خیال به کار می‌گیرد. او عناصر بیرون و درون را متحرانه به هم پیوند می‌زند؛ به گونه‌ای که منطقی جلوه کنند. مثل کوجه، اما کوجه مخصوص به نام «دیاگون» که مهمانخانه «پاتیل درزدار» در آن قرار دارد و مملو از آدم‌هایی است که به «هری» احترام می‌گذارند و او را مشهور می‌دانند. نویسنده، بارها مخاطب را به دنیای خیال می‌برد: «هری» احساس می‌کرد که غیر از خودش و هاگرید، هیچ‌کس دیگر آن مهمانخانه را نمی‌بیند؛ ایستگاه مترو نیز دارای یک سکوی جادویی است به شماره نه و سه‌چهارم که به عقیده عمو ورنون، چنین سکویی وجود نداشت. بانکی که باید پس‌انداز مادر و پدر «هری» از آن جا گرفته می‌شد تا هزینه تحصیل او در مدرسه جادوگری تأمین شود نیز در دنیای خیال قرار دارد و اجنه‌ها پرسنل و کارگزار آن هستند. در این میان، نویسنده این نکته ظریف



هجوم نامه‌ها به خانه «دورسلی‌ها» و به تنگ آمدن و فرار آنها به گونه‌ای ساخته شده که رفتن به میان توفان و دریا و استقرار در آلونکی دورافتاده و توهم‌زا گریزناپذیر می‌شود و این بهره‌مندی مناسب از ابزارهای ساخت افسانه، هرچه بیشتر بر وجه خیالی داستان می‌افزاید و دامنه جولان ناخودآگاه را گسترده‌تر می‌کند. در ضمن، همه این عوامل در خدمت استحکام بیشتر ساخت اثر است. در این رمان، قرار است روح «هری» جوان پالایش یابد و تصاویر منفی ذهن او پاک شود، اما نه با پند و اندرز، بلکه هم‌چون یک بازی و تفریح، سفینه‌ای خیالی به اعماق وجود «هری» فرستاده می‌شود و ماجراهایی برایش پیش می‌آید تا قدرت کشف خود برایش آماده شود و تصاویری که طی سال‌ها، اندک اندک از وقایع دنیای بیرون بر او تحمیل شده، با شگردبازی و تفریح خیالی، از درون او بیرون کشیده و محو شوند. «هری» در دنیای واقع، به صورت خودآگاه، قدرت مانور و مقابله برای رشد و اصلاح خود نمی‌یابد. بنابراین، ناچار است برای کشف نیروهای مثبت درون خود، به دنیای خیال متوسل شود. در این دنیا، فرصت می‌یابد تا ببیند که جهان، میدان نبرد نیروهای اهریمنی و نیروهای نیک است. و در این نبرد همیشگی، پیروزی از آن نیرویی است که آدمی در برگزیدن آن نقش دارد. هم‌چنین، به این تجربه می‌رسد که در نبرد نیروها، نیروی شکست خورده هرگز نابود نمی‌شود، بلکه تنها جسمیت خود را از دست می‌دهد و پس از آن منتظر می‌ماند تا جسمی پیدا شود و در آن حلول کند. بدین ترتیب، نویسنده با ظرافت و هنرمندی، جهان‌بینی و تفکر فلسفی کهن که جهان را آوردگاه رویارویی مدام نیروهای ظلمت و نور می‌دید و پیروزی یکی بر دیگری را وابسته به انتخاب آدمی می‌دانست، در متن خویش گنجانده است. بنابراین، نقش دادن به انسان، به عنوان عامل تعیین‌کننده و تاکید بر اراده او در شناخت خود و تغییر سرنوشت، از جمله پیام‌هایی است که در این اثر وجود دارد. به قسمتی از گفت و گوی «هری» و «دامبلدور»، مدیر مدرسه جادوگری، ملقب به آزادمرد مستقل و جادوگر اعظم، توجه کنید:

«هری - ولدمورت می‌خواد هرچور شده برگرده، درست؟ منظورم اینه که اون نرفته، نه؟»

دامبلدور - نه، هری، اون نرفته هنوز به جایی اون بیرونه. شاید دنبال کسی می‌گرده که بتونه در جسمش باهاش شریک بشه... درواقع اون زنده نیست که بشه کشتش... با این همه، هری، همون‌طور که تو به قدرت رسیدن اونو به تاخیر انداختی کسان دیگری هم پیدا می‌شن که آمادگی لازمو دارن و در جنگی که تصور می‌کنن شکست خواهند خورد شرکت می‌کنن و دوباره بازگشت اونو به تاخیر میندازن. اگه این کار بارها و بارها تکرار بشه اون هیچ‌وقت نمی‌تونه به قدرت برسه.^۲

بی‌تردید، اثری که در آن اندیشه

فلسفی نبرد نور و ظلمت مطرح شده است، نمی‌تواند بدون نیروی عشق ورزیدن طراحی شود. اگر قرار است درون «هری» از کینه و نفرت تهی شود، چیزی ارزشمند و فراگیر باید جایگزین آن شود که همان نیروی عشق ورزیدن است. در سایه عشق، «هری» به ایمنی و مصونیت می‌رسد. در فصل آینه، به روشنی، پیام عرفانی اثر قابل مشاهده است. «هری» جز با صافی دل و پالایش درون از کینه و نفرت، نمی‌تواند به کیمیای جان پی برد. عشق به او آرامش می‌دهد و به او کمک می‌کند تا زندگی سالم و پویایی داشته باشد. شاید نویسنده که «هری» را در دنیای خیال با خانواده دورسلی‌ها که به واقع، نشانه نیروی بدی و نفرت و نامهربانی و سنگدلی هستند، رو به رو ساخته، هدف والاتر و برتری داشته است. نویسنده به جای آن که «هری» را به انتقام شخصی از دورسلی‌ها وادارد، او را به سوی هدف کلی‌تر و کامل‌تری سوق می‌دهد و آن دفع نیروی اهریمنی از روح و پالایش روان است. چرا که «هری» به تجربه درمی‌یابد حق انتخاب دارد و این انگیزه‌ای برای اوست. انگیزه موثر بودن انسان در تعیین چرخش هستی، پیام اصلی این اثر است. بدین جهت، تیر دشمنی «هری» به سوی هدف مهم‌تر، یعنی ولدمورت که عامل نفرت و سیاهی و تباهی است؛ نشانه می‌رود. عاملی که می‌رفت بر «هری» تسلط یابد و در نهان و خانه وجود او بنشیند و بر لشکر اهریمن بیفزاید. یک نکته مهم در این اثر وجود دارد و آن، این است که نویسنده با هوشیاری دریافته، برای گشودن دریچه ناخودآگاه «هری»، خانواده دورسلی‌ها یعنی عمه پتونی، عمو ورتون و «دادلی» پسر آنها نخست باید تنبیه شوند و حد خود را بدانند. جلوگیری از تازش آنها به عهده‌هاگرید غول گذاشته می‌شود و او با قدرت جادویی و با تکان دادن چتر، سبب می‌شود «دادلی» دم درآورد. تنبیه عمو ورتون نیز با گره زدن اسلحه او صورت می‌گیرد. ماجراهایی که در صفحات ۷۱ - ۵۸ اتفاق می‌افتد، کمک‌های اولیه‌ای است که زمینه‌های عاطفی لازم برای شروع درمان را فراهم می‌آورند و کاسه عواطف پرشده «هری» را تخلیه می‌کنند. به این ترتیب، نیروی هستی او که در اثر فشارهای عاطفی تحلیل رفته، با عامل جبرانی - جادو - بازسازی می‌شود.

پانویست‌ها:

- ۱) هری پاتر و سنگ جادو. جی. کی. رولینگ. ترجمه سعید کبریایی. چاپ دوم انتشارات کتابسرای تندیس. ص ۸۱. آبان ۱۳۷۹.
- ۲) هری پاتر و سنگ جادو، ص ۳۳۵.

